

خبرهای اروپا و آمریکا

نیمی از اروپا با عضویت ترکیه مخالفند

فارس : نتایج یک نظر سنجی جدید نشان داد از هر دو شهروند اروپایی، یکی با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالف است. به گزارش پایگاه اینترنتی کمیسیون اروپا، این نظرسنجی که توسط کمیسیون اروپا به عمل آمده است نشان می دهد ۴۸ درصد از مردم کشورهای اروپا با عضویت ترکیه در این اتحادیه مخالفند و فقط ۳۹ درصد موافق عضویت ترکیه هستند. این نظر سنجی نشان داد اتریشی ها بیشترین مخالفت را با عضویت ترکیه در این اتحادیه دارند، به طوری که ۸۱ درصد مردم اتریش با عضویت ترکیه مخالف هستند. بعد از اتریش، در کشورهای آلمان و لوکزامبورگ ۶۸ درصد، در قبرس ۶۸ درصد و در یونان ۶۷ درصد از مردم با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالف هستند. فرانسوی ها کمترین مخالفت را با عضویت ترکیه در این اتحادیه دارند، به طوری که فقط ۲۳ درصد از آنها با این امر مخالف هستند. این نظرسنجی نشان داد کشورهای اروپایی تمایل دارند کشورهای بالکان به اتحادیه اروپا وارد شوند.

اعزام ۳۷۰۰ نیروی آمریکایی به بغداد

ایستا : فرماندهی ارتش آمریکا در عراق اعلام کرد، به منظور کاهش خشونت های فرقه ای در بغداد، در حال اعزام ۳۷۰۰ نیرو به این شهر است. همچنین یک مقام آمریکایی گفت پس از این که ارتش کنترل خیابان ها را از دست افراد مسلح خارج کرد، سربازان آمریکایی بیشتری به بغداد اعزام می شوند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، یکی از تیپ های ارتش آمریکا که قرار بود پس از یک سال حضور در عراق به آمریکا بازگردد، خودروهای زرهی سبک و سریع ارتش را به بغداد منتقل خواهد کرد. ارتش آمریکا امیدوار است با این کار نیروهای امنیتی سریع تر بتوانند به مقابله با شبه نظامیان پرهزاردن و وجود تسلیحات بیشتر در بغداد باعث ترس و واهمه افراد مسلح شود که طی هفته های اخیر حملاتشان را افزایش داده اند.

پنهانکاری در هزینه پروژه های عراق

فارس : یک روزنامه آمریکایی به نقل از مقامات سازمان نظارت بر نهادهای دولتی آمریکا گزارش داد وزارت خارجه این کشور از اعمال تغییرات در حساب ها برای پنهانکاری در هزینه های بیش از اندازه پروژه ها در عراق استفاده کرده است. در گزارش شماره دپروز نیویورک تایمز آمده است که آژانس توسعه بین المللی آمریکا (USAID) و وزارت خارجه این کشور مسئول بودجه ۱/۴ میلیارد دلار بودجه برای بازسازی در عراق بودند که از تغییرات در حساب ها برای پنهان کردن هزینه های اضافی این پروژه ها استفاده کرده اند. این نهادهای این کار را در فهرست هزینه های مخارج کلی و یا هزینه های اداری وارد می کردند. این عمل خلاف قانون نهادهای آمریکایی در گزارش مکتوب سازمان میزبی اعلام شده که توسط بازرس کل ویزه بازسازی عراق نگاشته شده و اواخر روز جمعه انتشار یافته است.

انتقاد استراو از تهاجم اسرائیل

بی بی سی : در حالی که جکی استراو رهبر مجلس عوام و وزیر خارجه سابق انگلیس، از تهاجم اسرائیل به لبنان انتقاد کرده و آن را «نامتوازن» خوانده است، تونسی بلسر نخست وزیر این کشور ضمن دفاع از موضع خود

در قبال بحران کنونی گفته است در کابینه او در این مورد اختلاف نظری وجود ندارد. استراو که تا ماه مه گذشته وزیر خارجه انگلیس بود، گفته است اسرائیل با این اقدامات یک وضعیت خطرناک در منطقه ایجاد می کند. وی گفت با اظهارات کیم هاولز از وزیران مشاور در وزارت خارجه انگلیس موافق است که گفته بود «اقدامات نامتوازن و نامتناسب اسرائیل تنها به بروز یک وضعیت خطرناک منجر می شود.» جک استراو گفت اقدامات نظامی اسرائیل ممکن است «کشور لبنان را که تا قبل از این جنگ نیز آسیب پذیر بود، بیش از پیش بی ثبات کند.» تونی بلر که تاکنون از حملات اسرائیل به لبنان انتقاد نکرده و حاضر نشده است خواستار برقراری یک آتش بس فوری میان اسرائیل و لبنان شود، وجود اختلاف نظر در کابینه خود بر سر این موضوع را رد کرده است.

کمک آمریکا به ارتش لبنان

ایلنا : آمریکا اعلام کرد در نظر دارد ۱۰ میلیون دلار به ارتش لبنان کمک کند. خبرگزاری فرانسه گزارش داد: «فرستاده وزارت خارجه آمریکا برای رایزنی در مورد اعزام نیروهای بین المللی به لبنان، پاریس، بروکسل و آنکارا سفر کرد.» «تام کیسی» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به خبرنگاران گفت: ما در نظر داریم ۱۰ میلیون دلار به ارتش لبنان کمک کنیم. ارائه این کمک باید در کنگره تصویب شود. وی گفت: «تلاش ها و مشورت ها در منطقه و اروپا با احترام به نیروی بین المللی در جریان است.» کیسی تاکید کرد اعزام نیروهای محدود به جنوب لبنان و مرز این کشور با اسرائیل است.

چاوس رسماً نامزد ریاست جمهوری شد

فارس : دینودادو کابو به سخنگوی حزب جنبش جمهوری پنجم ونزوئلا، روز گذشته با قرائت بیانیه ای در کنفرانس مطبوعاتی این حزب در کاراکاس، هوگو چاوس را به عنوان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سوم دسامبر معرفی کرد. به گزارش آژانس پرنسا لاتینا، کابو یه گفت: معرفی چاوس به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا برای دوره شش ساله آتی با توجه به اصول قانون اساسی، و مقررات و اساسنامه های حزب جنبش جمهوری پنجم و رایزنی با اعضای این حزب صورت گرفته است.

آنچه این روزها در لبنان می گذرد و حمله مخرب

نیروهای اسرائیلی به این کشور، از سوی کاخ سفید و کنگره ایالات متحده به عملیات دفاعی اسرائیل ها تعبیر می شود. حتی برخی از گزارشگران متعصب سی ان ان

نیز از عبارت کلیشه ای «خشونت در خاورمیانه» که اغلب اوقات لحنی جانبدارانه و مشکوک نیز در خود نهفته دارد استفاده می کنند. کشته شدن بیش از پانصدنفر، آمار پانصدهزار نفری آوارگان و تخریب کامل فروگاه، پل ها و نیروگاه های برق بسیار فراتر از یک پاسخ نامتناسب از جانب نیروهای اسرائیلی به شمار می رود. پاسخ مخرب و نابرابری که اسرائیل آن را به دلیل گروگان گرفته شدن دو سرباز خود در دوازدهم جولای و کشته شدن سه تن دیگر در خاک کشورش مشروع می داند. بی شک عبارت محتاطانه دبیرکل سازمان ملل که وضعیت در لبنان را به «استفاده افراطی از زور» تعبیر کرد نیز به هیچ وجه گویای خشونت نیست که لبنان این روزها شاهد آن است. حملات هوایی اسرائیل به لبنان دقیقاً خسارتی در برابر حملات موشکی حزب الله به مناطق مختلف اسرائیل دربردارد.

شدت حملات هوایی و غافلگیرکننده به حدی است که بسیاری از قربانیان ساکن روستاهای جنوبی که جان خود را بر اثر این حملات از دست دادند در گورهای دسته جمعی دفن شده و بازماندگان نیز زیر باران حملات هوایی به صورت گروهی سوار وانت های امداد شده و راه شمال را در پیش می گیرند. در حالی که مردم جنگ زده لبنان در انتظار گشایش مسیرها برای رسیدن کمک های بشردوستانه به خود هستند، به نظر می رسد که حملات اسرائیل تمامی ارتباطات هوایی، زمینی و دریایی به لبنان را کاملاً مختل کرده است. درست روز بیستم جولای بود که سربازان اسرائیلی از خط آبی تعیین شده توسط سازمان ملل نیز گذشتند. با این وجود به نظر می رسد که ساکنان کاخ سفید با عدم درخواست آتش بس میان طرفین درگیری بی صبرانه برای پیروزی اسرائیل انتظار می کنند.

نخست وزیر اسرائیل اندکی پس از اولین حمله حزب الله این اقدام را جنگ محض نامیده و مدعی شد که تبعات آغاز چنین نبردی بسیار اسف بار و غیرقابل جبران خواهد بود. از سوی دیگر مقامات اسرائیلی رسماً اعلام کردند که دولت و مردم لبنان را مسئول مستقیم آغاز این جنگ می دانند. تصمیم اسرائیل برای افزایش حملات علیه لبنان با سخنان دبیر کل حزب الله – شیخ حسن نصرالله– مبنی بر جنگ رودرو با اسرائیل و کشته شدن پانزده شهروند اسرائیلی به دنبال موشک باران مناطق اسرائیلی نشین در روز چهارم درگیری، جنبه جدی تری به خود گرفت. با وجود آنکه موشک های کاتیوشای شلیک شده توسط حزب الله به سمت شهرهای اسرائیل بسیار مخرب تر از موشک های قسام حماس هستند اما به نظر می رسد که هیچ کدام از حملات حزب الله قابل مقایسه با تهاجم همه جانبه اسرائیل نیست.

با وجود تمام نابرابری های مشهود میان طرفین درگیر، رسانه های آمریکایی ترجیح می دهند میان حملات طرفین درگیر نوعی تناسب برقرار کنند، این در حالی است که به هیچ وجه شباهتی میان حملات حزب الله و نیروهای اسرائیل وجود ندارد. البته در نحوه سر و سامان دادن بازماندگان و تلاش برای کاهش میزان تلفات انسانی تعادل خاصی میان طرفین برقرار است. در حالی که شهروندان اسرائیلی برای فرار از حملات موشکی به پناهگاه های از پیش ساخته شده متخلل می شوند، مقامات حزب الله نیز از غیرنظامیان درختل کرده اند که برای کاهش تلفات منازل خود را تخلیه کنند. س ی ان برای پررنگ تر کردن این تناسب از گزارشگر جنجالی خود لاری کینگ کمک می گیرد. گزارشگری که ابتدا به سراغ سخنگوی جنجالی اسرائیل میری آپسن می رود که از آمار بالای تلفات از اسرائیل سخن می گوید. بلافاصله پس از پخش این گزارش از اسرائیل است که تصویر مدیر شبکه ماهواره ای المنار متعلق به حزب الله در حالی که با یک چشم موشک های پرتابی به سمت اسرائیل را در آسمان نگاه می کند، پخش می شود. این روزها گزارشگرانی که سابقه کاری آنها در پرده ای از ابهام فرورفته است با گزارش ها و تحلیل های نه چندان حرفه ای خود بر ابهام اوضاع می افزایند. به عنوان نمونه خبرنگار سی ان ان در قبرس در توضیح اوضاع جنگ میان طرفین اینگونه استدلال می کند که حماس به دلیل شیعه بودن اعضای آن با حزب الله لبنان که اهل تسنن آن را تشکیل داده اند سابقه خصومت تاریخی دارد. گزارشگر ام اس ان بی سی نیز در راستای گزارش میزان زخامت اوضاع در شهر بمباران شده اعلام می کند که حزب الله لبنان این شهر را به دلیل مسیحی نشین بودن آن مورد حمله موشکی خود قرار داده است. این در حالی است که درست در پشت سر گزارشگر تصویر زنان و مردان مسلمانی دیده می شود که برای شرکت در مراسم تدفین در حال رفت و آمد به سوی مساجد هستند.

بی شک با گذشت زمان اشتباه خبرنگاران غرض ورز آمریکایی حل و فصل و حتی بخشیده می شود. در این میان چرخش سریع انگشت اتهام کاخ سفید به سمت ایران و سوریه به عنوان مشوق های حزب الله در آنچه که آمریکایی ها آن را ماجراجویی لبنانی ها توصیف کردند، بیانگر میزان توجه موجود در بسیاری از اختلافات سیاسی میان کشورها است. اسرائیل نیز

بگذار لبنان بسوزد

ترجمه : سارا معصومی



بلافاصله از عبارت «مثلث ترور اسلامی» سخن گفته و تهران و دمشق را دو ضلع این مثلث می نامد. این در حالی است که سخنگوی سابق و کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری آتی حتی پا را از این معییره فراتر نهاده و رسماً اعلام می کند که ایالات متحده و اسرائیل در آستانه «جنگ جهانی سوم» به سر می برند. همزمان با این قبیل اتهامات، اعضای کنگره نیز در صف طولیی پشت سر هم ایستاده و به ترتیب پس از ظهور جنگ زده لبنان در انتظار گشایش مسیرها برای رسیدن کمک های بشردوستانه به خود هستند، به نظر می رسد که حملات اسرائیل تمامی ارتباطات هوایی، زمینی و دریایی به لبنان را کاملاً مختل کرده است. درست روز بیستم جولای بود که سربازان اسرائیلی از خط آبی تعیین شده توسط سازمان ملل نیز گذشتند. با این وجود به نظر می رسد که ساکنان کاخ سفید با عدم درخواست آتش درگیری در خاورمیانه هستند.

چنین اتهاماتی در حالی هر روز در رسانه های خبری به صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح می شود که تاکنون هیچ کدام از منابع اطلاعاتی اسرائیل نتوانسته اند مدرک مستدلی برای ایجاد رابطه میان شیخ حسن نصرالله و مقامات ایرانی و سوری پیدا کنند. این در حالی است که هسته اولیه این قبیل اتهامات نیز که در آن اسرائیل مدعی شده بود حزب الله به دستور رئیس جمهور سوریه و مقامات عالی رتبه ایرانی اقدام به گروگانگیری دو سرباز اسرائیل کرده است همچنان بی هیچ پشتوانه

مستدلی در رسانه های خبری نقل قول می شود. از سوی دیگر این موضوع که موشک های پرتابی از سوی نیروهای حزب الله ساخت ایران و سوریه هستند به عنوان تنها مدرک مستدل برای بیان هر اتهامی علیه این دو کشور استفاده می شود. این در حالی است که از این منظر باید واشینگتن را نیز به دلیل ساخت تسلیحاتی که این روزها مانند باران بر سر فلسطینی ها و مردم لبنان ریخته می شود، محکوم کرد. حزب الله به هیچ وجه از آشکار شدن حامیان خارجی خود در سطح بین المللی و طرح این فرضیه که این حامیان در واقع مسبب درگیری میان طرفین بودند ابای چندانی ندارد. اما حقیقت این است که زمان بندی این درگیری ها آن هم در شرایطی که اسرائیل تنها به دلیل گروگانگیری حزب سرباز خود در آنجا مستقر است و سوری ها بسیار کم اثبات همکاری میان حماس و سوری ها بسیار کم رنگ تر از اتحاد حزب الله با این کشور همسایه بود، اما به نظر می رسد که این بار اسرائیل ترجیح می دهد آشکارا با متحد قدیمی رقیب درگیری نداشته باشد. به همین دلیل است که مقامات به نفع اسرائیل در مصاحبه با هآرتس مدعی می شود که اسرائیل گروه گانگستری نیست که بی هدف هر جعتی را مورد حمله هوایی خود قرار دهد. علاوه بر نکات گفته شده این درگیری در واقع محکی است برای سنجیدن قدرت اجرایی قطعهنامه های سازمان ملل که در حقیقت دستاویزی است برای اجرای دیپلماسی بین المللی. البته اسرائیل گویا قصد دارد با اقدامات داوطلبانه خود راساً این قطعهنامه ها را دلدتر اجرائی ببخشد. در صورت عدم توانایی دولت لبنان در خلع سلاح نیروهای حزب الله، اسرائیل می تواند به راحتی این کار را انجام دهد. اگر مقامات لبنانی قادر به نمایش اقتدار و خودمختاری نباشد در کشور نپسندند آن هم به گونه ای که مورد خواست طرف مقابل است اسرائیلی ها می توانند به راحتی این اقتدار را در لبنان پیاده کنند. درست همانگونه که ایالات متحده خود را مجری قطعهنامه های بین المللی در خاورمیانه می داند اسرائیل نیز این حق را برای خود محفوظ نگاه داشته و بی شک از حمایت رسانه های آمریکایی نیز برخوردار است. رسانه هایی که حملات گسترده هوایی اسرائیل به خاک لبنان را کاملاً موجه و منطقی می دانند. با این وجود باید از گردندگان این رسانه ها استوال کرد که چرا هیچ کدام از مجریان قطعهنامه های سازمان ملل قطعهنامه ۴۲۵ این سازمان در سال ۱۹۷۸ را که خواهان عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان بود تا سال ۲۰۰۰ و آن هم در زیر آتش حزب الله عملی نکرد. امروز تمامی این غرض ورزی ها به تاریخ پیوسته اند. اما با بازگشت به این روزها شاهد سخنرانی سفیر افراطی اسرائیل در ایالات متحده هستیم که می گوید: ما چاره ای جز کشتن و خشنی سازی حزب الله نداریم. از سوی دیگر یک مقام عالی رتبه انگلیسی در مصاحبه با تایمز در روز بیستم جولای می گوید: نگرانی ما این است که اقدامات نظامی اسرائیل نتایج مطلوب پیش بینی شده را به دنبال نداشته است اما ترجیح می دهد به جای این کار بر آتش جنگ باور داشته باشد.

باز هم با تکرار تاریخ این چند سال به استراتژی جنگ طلبانه جورج دبلیو بوش می رسم که در آن شهروندان غیرنظامی دستاویزی می شوند برای ایجاد رعب و وحشت میان مخالفان ایالات متحده. درست پانزدهم جولای بود که نماینده ایالات متحده در سازمان ملل روند رسیدگی به درخواست نخست وزیر لبنان برای برقراری آتش بس میان طرفین را بلوکه کرد. از همان زمان آتش بس به وجود شدت گرفتن درگیری ها رویای آتش بس به خواب زمستانی فرو رفت تا وزیر خارجه کابینه جنگ با خونسردی تمام از آتش بس در شرایطی که مقامات به نفع اسرائیل در کنار هم چیده نشود در شرایطی که مقدمات آن فراهم باشد سخن گوید. بی شک تا زمانی که مقدمات به نفع اسرائیل در کنار هم چیده نشود چراغ سبز ایالات متحده برای ادامه جنگ نیز همچنان می درخشد.

راحتی این اقتدار را در لبنان پیاده کنند. درست همانگونه که ایالات متحده خود را مجری قطعهنامه های بین المللی در خاورمیانه می داند اسرائیل نیز این حق را برای خود محفوظ نگاه داشته و بی شک از حمایت رسانه های آمریکایی نیز برخوردار است. رسانه هایی که حملات گسترده هوایی اسرائیل به خاک لبنان را کاملاً موجه و منطقی می دانند. با این وجود باید از گردندگان این رسانه ها استوال کرد که چرا هیچ کدام از مجریان قطعهنامه های سازمان ملل قطعهنامه ۴۲۵ این سازمان در سال ۱۹۷۸ را که خواهان عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان بود تا سال ۲۰۰۰ و آن هم در زیر آتش حزب الله عملی نکرد. امروز تمامی این غرض ورزی ها به تاریخ پیوسته اند. اما با بازگشت به این روزها شاهد سخنرانی سفیر افراطی اسرائیل در ایالات متحده هستیم که می گوید: ما چاره ای جز کشتن و خشنی سازی حزب الله نداریم. از سوی دیگر یک مقام عالی رتبه انگلیسی در مصاحبه با تایمز در روز بیستم جولای می گوید: نگرانی ما این است که اقدامات نظامی اسرائیل نتایج مطلوب پیش بینی شده را به دنبال نداشته است اما ترجیح می دهد به جای این کار بر آتش جنگ باور داشته باشد.

باز هم با تکرار تاریخ این چند سال به استراتژی جنگ طلبانه جورج دبلیو بوش می رسم که در آن شهروندان غیرنظامی دستاویزی می شوند برای ایجاد رعب و وحشت میان مخالفان ایالات متحده. درست پانزدهم جولای بود که نماینده ایالات متحده در سازمان ملل روند رسیدگی به درخواست نخست وزیر لبنان برای برقراری آتش بس میان طرفین را بلوکه کرد. از همان زمان آتش بس به وجود شدت گرفتن درگیری ها رویای آتش بس به خواب زمستانی فرو رفت تا وزیر خارجه کابینه جنگ با خونسردی تمام از آتش بس در شرایطی که مقامات آن فراهم باشد سخن گوید. بی شک تا زمانی که مقدمات به نفع اسرائیل در کنار هم چیده نشود چراغ سبز ایالات متحده برای ادامه جنگ نیز همچنان می درخشد.

لبنانی ها افزوده و مقامات اسرائیلی نیز اعتراف می کنند که این درگیری ها تا زمان نامحدودی ادامه خواهند داشت. البته از سوی دیگر وزیر دفاع اسرائیل مدعی می شود که همزمان وی به هیچ وجه قصد اشغال مجدد و طولانی مدت جنوب لبنان را ندارند. چرا که بسیاری از مقامات اسرائیلی عقب نشینی خود از جنوب لبنان در مه ۲۰۰۰ را به اندازه تزرک خاک غزه در سال ۲۰۰۵ مفید و مثمرتر می دانند. درست به همین دلیل است که طراح اشغال غزه آریل شارون با اعتراف به توانمندی ارتش خود برای بقا در غزه این اقدام را جایز و مناسب می خواند. درک این مسئله که آیا درگیری میان اسرائیل و حزب الله به تضعیف جایگاه این گروه مقاومت در لبنان می انجامد و یا درست بر خلاف این امر لبنانی ها به این نتیجه می رسند که داشتن گروهی مستقل و نظامی تضمین کننده امنیت بیشتر آنها است به زمان بیشتری نیاز دارد. به نظر می رسد که استراتژی نظامی اسرائیل در شرایطی در حال پیشروی است که اقدامات در راس اسرائیل از یک بی شک با آزادی سایر زندانیان در بند لبنان آن هم در شرایطی که آخرین معاوضه اسرا در سال ۲۰۰۴ انجام گرفته است حزب الله به دستاوردی غیرقابل انتظار دست خواهد یافت. البته لبنان نیز در این پیروزی بی نصیب نخواهد ماند.

جدا از تفکیک انگیزه های واقعی حزب الله از این قبیل اقدامات آنچه تازمین مبهم و غیرقابل درک باقی مانده این است که در واقع انگیزه اصلی و نیت نهایی اسرائیل از بمباران مناطق مختلف لبنان چیست؟ در واقع استراتژی نهفته در حملات گسترده اسرائیل برای بسیاری از کارشناسان بین المللی مبهم است. با وجود آنکه جت های اسرائیلی پس از گروگان گرفتن یکی از سربازان خود توسط نیروهای حماس اطراف کاخ رئیس جمهور سوریه را بمباران کرده و مدارک مستدل برای اثبات همکاری میان حماس و سوری ها بسیار کم رنگ تر از اتحاد حزب الله با این کشور همسایه بود، اما به نظر می رسد که این بار اسرائیل ترجیح می دهد آشکارا با متحد قدیمی رقیب درگیری نداشته باشد. به همین دلیل است که مقامات به نفع اسرائیل در مصاحبه با هآرتس مدعی می شود که اسرائیل گروه گانگستری نیست که بی هدف هر جعتی را مورد حمله هوایی خود قرار دهد. علاوه بر نکات گفته شده این درگیری در واقع محکی است برای سنجیدن قدرت اجرایی قطعهنامه های سازمان ملل که در حقیقت دستاویزی است برای اجرای دیپلماسی بین المللی. البته اسرائیل گویا قصد دارد با اقدامات داوطلبانه خود راساً این قطعهنامه ها را دلدتر اجرائی ببخشد. در صورت عدم توانایی دولت لبنان در خلع سلاح نیروهای حزب الله، اسرائیل می تواند به راحتی این کار را انجام دهد. اگر مقامات لبنانی قادر به نمایش اقتدار و خودمختاری نباشد در کشور نپسندند آن هم به گونه ای که مورد خواست طرف مقابل است اسرائیلی ها می توانند به راحتی این اقتدار را در لبنان پیاده کنند. درست همانگونه که ایالات متحده خود را مجری قطعهنامه های بین المللی در خاورمیانه می داند اسرائیل نیز این حق را برای خود محفوظ نگاه داشته و بی شک از حمایت رسانه های آمریکایی نیز برخوردار است. رسانه هایی که حملات گسترده هوایی اسرائیل به خاک لبنان را کاملاً موجه و منطقی می دانند. با این وجود باید از گردندگان این رسانه ها استوال کرد که چرا هیچ کدام از مجریان قطعهنامه های سازمان ملل قطعهنامه ۴۲۵ این سازمان در سال ۱۹۷۸ را که خواهان عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان بود تا سال ۲۰۰۰ و آن هم در زیر آتش حزب الله عملی نکرد. امروز تمامی این غرض ورزی ها به تاریخ پیوسته اند. اما با بازگشت به این روزها شاهد سخنرانی سفیر افراطی اسرائیل در ایالات متحده هستیم که می گوید: ما چاره ای جز کشتن و خشنی سازی حزب الله نداریم. از سوی دیگر یک مقام عالی رتبه انگلیسی در مصاحبه با تایمز در روز بیستم جولای می گوید: نگرانی ما این است که اقدامات نظامی اسرائیل نتایج مطلوب پیش بینی شده را به دنبال نداشته است اما ترجیح می دهد به جای این کار بر آتش جنگ باور داشته باشد.

حفظ و گسترش حضور نیروها و پادگان های نظامی آمریکا در غرب در منطقه و مبارزه با موجودیت حرکت های اصل و ریشه دار مقاومت در منطقه که بیشتر به دنبال هویت تاریخی و فرهنگی خود هستند، جزء راهکار روشن و بدون چون و چرای این کشور درمی آید. اظهارات مقامات نظامی و اطلاعاتی و سیاسی غرب دایر بر اینکه آمریکا برای تعقیب و پیدا کردن بن لادن و گروه همراه وی نیروهای غربی حاضر در منطقه را منع و محدود کرده و اداره ذی ربط در دستگاه های داخلی آمریکا را برچیده است حکایت از ماجراجویی خطرناک و سیاست های غیرقابل اعتماد آمریکا در منطقه دارد. خارج از اینکه اظهارات فوق سیاسی و رفتاری آمریکایی ها در منطقه می کند، روابط و نوعی رضایت دستگاه های سیاست گزار و موثر آمریکا با رژیم جدید تل آویو هم مانند اسلاف این کشور می کند. حملات حماس و حزب الله و نیز انفجارهای راه آهن بمبی، تصاویری زنده و واقعی است از بحران های در پیش رو در ابعاد گسترده و فاجعه آمیز در سراسر مناطق خاورمیانه، آسیای جنوب غربی و مناطق مسلمان نشین در اوراسیا. واکنش غیرمتعصب و رزمی صهیونیستی در برابر اسارت یک سرباز خود در فلسطین و نیز اسارت دو سرباز خود در مرز لبنان حکایت از استقبال آمریکا و اسرائیل برای گسترش صحنه درگیری ها، رفع بن بست های موجود در سیاست های آنها و پشت اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه می کند. باز کردن بن بست وجود آمده در مسیر سیاسی رژیم اسرائیل، تبدیل ضعف دولت ائتلافی و غیرمقتدر اوسرتر نخست وزیر صهیونیست ها در صحنه داخلی این کشور به قدرت و تاثیر گذارنشده تعاملات آمریکا بر اجلاس گروه هشت در سن پترزبورگ و تضعیف موقعیت روسیه و افزایش چین در منطقه در موضع آنها از همراهی با غرب علیه ایران در پرونده هسته ای و امید به تغییر موازنه در عراق به سود نیروهای آمریکایی از اهداف فوری واکنش صورت گرفته توسط اسرائیلی ها در مرزهای لبنان و حمایت همه جانبه واشینگتن از آنها است. هرچند حزب الله در اقدام به عملیات مذکور بنا بر پیشینه موضوع و خلاف وعده اسرائیلی ها در آزادی همه اسرای لبنانی محق است. در واقع آنها با هدف قرار دادن مقاومت تاریخی و اصیل در منطقه به تقویت گروه های بی ریشی و بی هویت سر برآورده از بحران ها و تحولات ساختگی دست می می زنند. ضمن اینکه تلاش آنها برای خلع سلاح و از کار انداختن ماشین مقاومت در منطقه (فلسطین و لبنان و ایران و سوریه) که به نوعی با حمایت اخلاقی و سیاسی جهانی روبرو بهر هستند، سعی می کنند دولت ها و افکار عمومی را به سمت حمایت از خود در مبارزه ساختگی و بی حاصل با گروه های تندرو و بی ریشه در منطقه که پایگاه های ماندگار و موجهی در افکار عمومی جهان و منطقه ندارند مثل القاعده و شبهه های آن بدون توجه به نتایج فاجعه آمیز کار هدایت و همراه نمایند.

مدیر کل سابق آسیای غربی و وزیر خارجه

منبع : MERIT

نگاه

بازی خطرناک در خاورمیانه

بهمن آقارضی*

بخش اول این مقاله دیروز در صفحه ۷ به چاپ رسید. بخش پایانی آن را می خوانید. امروز ایجاد و گسترش گروه های افراطی مذهبی در اکثر نقاط خاورمیانه بزرگ و محیط های پیرامونی آن نه تنها کند و محدود نشده بلکه با سرعت و ابعاد بیشتری در حال تولید مثل است و این روند بدون شک از هر زاویه ای نگاه شود به طرف انفجار و فاجعه حتمی پیش خواهد آمد و هیچ کس تا بهم به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکا خبر از انهدام و کنترل بیش از ۶۰ درصد کادر و عوامل القاعده داد ولی آیا این ارقام و خوش بینی ها امروز مورد اعتنا است. در حالی که ارزیابی های جدید منابع غرب از رشد سریع گروه های افراطی که القاعده را الگو قرار داده اند حکایت می کند. اگر آمریکا با هدف کنترل جمهوری اسلامی ایران در مرز های غربی افغانستان و کنترل چین، قفقاز جنوبی و روسیه از ایجاد طالبان حمایت کرد، امروز طالبان، القاعده و سایر گروه های افراطی در سراسر منطقه به چالشی خطرناک علیه همه دوستان غرب در منطقه و مآلا امنیت و صلح و ثبات منطقه ای تبدیل شده اند. و ستوال این است که آمریکا از این جریان و تحولات خشنود است یا خیر؟ چگونه است که القاعده و گروه های شبیه القاعده در تمام منطقه در حال فعالیت و گسترش هستند؟ اگر خشنود نیست و مشکل اصلی منطقه را ترورسم می داند، در این صورت چرا به رژیم اسرائیل اجازه داده که بحث فلسطین و لبنان را به مسئله خاورمیانه تبدیل نماید؟ همچنین ستوال این است که اگر از فعالیت و عملیات القاعده در منطقه خشنود است چرا خشنود است؟ آیا دلیل آن لزوم تمرکز افکار عمومی آمریکا و جهان بر مسئله فلسطین به جای القاعده و عراق است؟ می دانیم عده ای معتقدند که آمریکا در گسترش شامتی و تولید گروه های جدید افراطی و تروریست ها دخیل است، برای اینکه آنها مسبب و توجیه حضور نظامیان این کشور در مناطق مختلف هستند. و لذا مقامات کاخ سفید باید پاسخگوی این تناقضات و دوگانگی ها که می توانند شرایط بحرانی تری را برای امنیت منطقه به وجود آورد، باشند. بحرانی که پای آنها، اروپا و سایر متحدین این کشور را می سوزاند. تداوم اشتباه محاسبه و سیاست های به روشنی غلط آمریکا به گسترش فاجع مانند گروه های افراطی و تندرو مذهبی که هیچ قاعده اخلاقی و اصولی در برای تحقق اهداف خود بر نمی تابند کمک کرده است. لذا آمریکایی ها چگونه فکر می کنند می توانند همانند سال های قبل از یازدهم سپتامبر از برگشتن تیغ امثال القاعده و طالبان علیه خود جلوگیری کنند، در بحران متحد خاورمیانه عربستان، مصر، ایران و سایر دول عرب متحد آمریکا از مقاومت نظامی و اظهار تحفظ می کنند ولی در قبال حرکت کور القاعده و طالبان در عراق، افغانستان و سایر مناطق به شرطی که در سرزمین های خود آنها واقع نشود موضع نمی گیرند و دل نگران نیستند. لذا این حرکت نیست که بر ملا شدن زوایای سیاست های پنهان آنها در یک دهه های گذشته و به خصوص بعد از تحولات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، حفظ رهبری القاعده و سایر گروه های تندرو در منطقه با دو هدف:

– حفظ و گسترش حضور نیروها و پادگان های نظامی آمریکا در غرب در منطقه و

– مبارزه با موجودیت حرکت های اصل و ریشه دار مقاومت در منطقه که بیشتر به دنبال هویت تاریخی و فرهنگی خود هستند، جزء راهکار روشن و بدون چون و چرای این کشور درمی آید.

اظهارات مقامات نظامی و اطلاعاتی و سیاسی غرب دایر بر اینکه آمریکا برای تعقیب و پیدا کردن بن لادن و گروه همراه وی نیروهای غربی حاضر در منطقه را منع و محدود کرده و اداره ذی ربط در دستگاه های داخلی آمریکا را برچیده است حکایت از ماجراجویی خطرناک و سیاست های غیرقابل اعتماد آمریکا در منطقه دارد. خارج از اینکه اظهارات فوق سیاسی و رفتاری آمریکایی ها در منطقه می کند، روابط و نوعی رضایت دستگاه های سیاست گزار و موثر آمریکا با رژیم جدید تل آویو هم مانند اسلاف این کشور می کند. حملات حماس و حزب الله و نیز انفجارهای راه آهن بمبی، تصاویری زنده و واقعی است از بحران های در پیش رو در ابعاد گسترده و فاجعه آمیز در سراسر مناطق خاورمیانه، آسیای جنوب غربی و مناطق مسلمان نشین در اوراسیا. واکنش غیرمتعصب و رزمی صهیونیستی در برابر اسارت یک سرباز خود در فلسطین و نیز اسارت دو سرباز خود در مرز لبنان حکایت از استقبال آمریکا و اسرائیل برای گسترش صحنه درگیری ها، رفع بن بست های موجود در سیاست های آنها و پشت اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه می کند. باز کردن بن بست وجود آمده در مسیر سیاسی رژیم اسرائیل، تبدیل ضعف دولت ائتلافی و غیرمقتدر اوسرتر نخست وزیر صهیونیست ها در صحنه داخلی این کشور به قدرت و تاثیر گذارنشده تعاملات آمریکا بر اجلاس گروه هشت در سن پترزبورگ و تضعیف موقعیت روسیه و افزایش چین در منطقه در موضع آنها از همراهی با غرب علیه ایران در پرونده هسته ای و امید به تغییر موازنه در عراق به سود نیروهای آمریکایی از اهداف فوری واکنش صورت گرفته توسط اسرائیلی ها در مرزهای لبنان و حمایت همه جانبه واشینگتن از آنها است. هرچند حزب الله در اقدام به عملیات مذکور بنا بر پیشینه موضوع و خلاف وعده اسرائیلی ها در آزادی همه اسرای لبنانی محق است. در واقع آنها با هدف قرار دادن مقاومت تاریخی و اصیل در منطقه به تقویت گروه های بی ریشی و بی هویت سر برآورده از بحران ها و تحولات ساختگی دست می می زنند. ضمن اینکه تلاش آنها برای خلع سلاح و از کار انداختن ماشین مقاومت در منطقه (فلسطین و لبنان و ایران و سوریه) که به نوعی با حمایت اخلاقی و سیاسی جهانی روبرو بهر هستند، سعی می کنند دولت ها و افکار عمومی را به سمت حمایت از خود در مبارزه ساختگی و بی حاصل با گروه های تندرو و بی ریشه در منطقه که پایگاه های ماندگار و موجهی در افکار عمومی جهان و منطقه ندارند مثل القاعده و شبهه های آن بدون توجه به نتایج فاجعه آمیز کار هدایت و همراه نمایند.

مدیر کل سابق آسیای غربی و وزیر خارجه

بخش پایانی